



بررسی نقش و جایگاه شخصیت ها و خاندان های تاثیر گذار در تاریخ و تحولات عصر صفویه

محمود درویشوند

مجله علمی تخصصی علوم انسانی (سال دوم)

شماره ۲۴ / جلد ۱ / خرداد ۱۳۹۵ / ص ۱۹۲-۱۷۳

کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلام، دبیرآموزش و پرورش شهرستان البرز قزوین

چکیده: با بررسی نقش شخصیتها و خاندانهای تاثیر گذار در حکومت صفوی، ضرورت طرح این مسئله حائز اهمیت است که حضور طولانی مدت آن سلاطین در عرصه قدرت سیاسی نمی تواند فاقد پشتوانه ی محکم و قوی ، بدون عقبه ایدئولوژیک باشد، در این زمینه نظریاتی مطرح هست . از جمله اینکه صفویان با حمایت و پشتیبانی طوایف قزلباش توانستند حاکمیت خود را تثبیت و دوام ببخشند، در گفتمان مقاله حاضر این نظر مطرح می باشد، که وجود شخصیتهای اندیشمند از خاندانهای شیعی در عهد صفویه ، توانست بستر و زمینه استمرار طولانی مدت حکومت سلاطین صفوی را در دوره های مختلف به وجود آورد. ب اساس این نظریه صفویان از همان ابتدای حاکمیت، دولت خویش را یک حکومت مذهبی با دیدگاه ایدئولوژی شیعه اعلام نمودند، و به حکایت از تفکر شیعی توجه کردند، بر مبنای این اصل آنها به دعوت از علمای بزرگ شیعه پرداختند، این فراخوان نقش مهمی در تثبیت قدرت صفویه در سراسر ایران بوجود آورد. این علماء بعد از آمدن به ایران با اطمینان از حمایت سلاطین صفوی به بسط و تعمیق فرهنگ شیعه در جامعه ایران آن روزگار پرداختند، و در مقام و مناصبی چون شیخ الاسلامی ، امامت نماز جمعه، مسند قضاوت به عنوان وکیل حلالیت و امور شرعی به حل و فصل دعاوی و مشکلات مردم همت کردند، محقق کرکی با ایجاد محففل تربیت شاگرد و جذب این افراد از نقاط مختلف ایران به خصوص استرآباد که سابقه شیعه گری داشت، و اعزام آنها به اقصی نقاط فلمر و صفویه به تلاش در گسترش تفکر شیعی در سراسر ایران پرداخت ، اما در نقش داشتن قزلباش ها و حمایت آنان از صفویه تردیدی نیست. آنها دارای مهارت و توانایی جنگی بودند، اما آنچهان که قزلباش ها فائد آن بودند، عدم دانش لازم در اداره امور سیاسی و اداری صفویه بود، ثدرت بیش از حد، بی پروایی آنان در دخالت در امور سیاسی موجب بدگمانی و سوء ظن پادشاهان صفویه شد، بنابراین می توان گفت نظریه فوق از این حیث چندان قابل اعتناء نیست.

کلید واژه: صفویان ، شیعی، مقام، منصب، خاندان، شاه طهماسب، قزلباش ها



مقدمه

تاریخ آینه اندیشه، تفکر، آداب و رسوم یک ملت در دوره های مختلف است، شناخت و آگاهی از این فضای فکری و انتقال آن به نسل های آینده یک ضرورت تام برای جامعه است، زیرا ملتی که عقبه فرهنگی و تاریخی خود شناخت درست نداشته باشد در فراز و نشیب حوادث روزگار دچار فرسودگی و بی هویتی فکری، سیاسی و فرهنگی خواهد شد، اگر چه در باب تاریخ صفویه مقالات و کتب بسیار به رشته تحریر درآمده است، اما همچنان نیازمند بررسی و تحقیق بیشتر است، زیرا صفویه از این جهت که سرآغاز فصل جدیدی از تاریخ سرزمین ایران بود، مهم و قابل توجه است، کشوری که مورد هجوم موغولان واقع شد، دارای جمعیتی پراکنده و از لحاظ دینی دارای اعتقاد مذهبی سنت بود، جنوب، شرق، غرب آن حکمرانان سنی مذهب حضور داشته و از همه مهمتر امپراطوری عظیم عثمانی با گرایش مذهب اهل سنت داعیه زعامت جهان اسلام را بر سر می پروراند، و در این میان به یکباره صفویان چون تندبادی از راه رسیده و این آرامش شکننده را بر هم زدند، و پرچم دار اندیشه و پیامی تازه در تاریخ ایران آن روزگار شدند، با حضور سلاطین صفوی، ایران از لحاظ وسعت سرزمینی به منتهای قدرت خود بعد از دوره سلجوقیان رسید و از حالت پراکندگی به یک انسجام و وحدت ملی دست یافت.

باید گفت آنچه مع صفویان پایه گذار آن بودند تا به امروز ادامه دارد، این موارد عبارتند از: ۱- یکپارچگی اعتقادی مردمان سرزمین ایران ۲- استقلال سیاسی ایران، اگر چه این سرزمین به علت بی کفایتی بعضی از حکمرانان در دوره های بعد آسیب دید اما همچنان استقلال سیاسی کشور ایران حفظ گردید ۳- احیای تفکر عقلی و پرورش بزرگانی چون شیخ بهایی، ملاصدرا، محمد تقی و محمد باقر مجلسی و دیگر بزرگان در دوره صفویه زمینه ای از یک اندیشه زلال بوجود آورد که تا به امروز همچنان باقی است ۴- رشد و شکوفایی هنر نقاشی و معماری که بدون تردید هنرمندی که صاحب ذوق و اندیشه سلیم باشد، با دیدن آثار و ابنیه به جا مانده از این دوره زبان به اعتراف و تحسین خواهد گشود، معماری که از دوره صفویه باقی مانده دارای سبکی بدیع و بی نظیر است، که همچنان تا به امروز راه خود را ادامه می دهد. ما در این مقاله تلاش نموده ایم.

به این پرسش پاسخ دهیم، که پایه های استحکام صفویه بر چه عواملی استوار بوده است؟ پاسخ به این پرسش را در دو بخش بررسی نموده ایم:

۱- عوامل و زمینه های مشرب فکری و ایدئولوژیکی که صفویه با تکیه بر آن توانستند در میدان سیاست حضور پیدا کنند ۲- عوامل استمرار و دوام حکمرانی سلاطین صفوی، بدیهی است، شناخت این عوامل مستلزم، وسعت دید، فهم عمیق و مطالعه دقیق و جمع آوری اسناد و مدارک منابع لازم است، تا بتوان بر اساس آن به یک قضاوت درست و منصفانه تاریخی دست یافت.



Iron Academy of
Science and Technology

نقش ضخیت ها و خاندان های تاثیر گذار در پیروزی و تثبیت حاکمیت صفویه

بیان مسئله

حضور دولت در عرصه سیاست ایران حاصل عوامل متعددی است که در شکل گیری از حاکمیت موثر بوده ، از جمله این عوامل نقش شخصیت ها و خاندان هایی است که در تکوین رشد صفوی و تثبیت آن سلاطین در عرصه های مختلف سیاسی، نظامی و فرهنگی نقش داشته اند. صفویه ابتدا با استفاده از قدرت بازوی قزلباشان در عرصه نظامی توانستند موفقیت هایی درخشان بدست آورند، با اعلام مذهب تشیع و حمایت همه جانبه از آن درمیدان سیاست و مذهب به اتحاد و یکپارچگی جامعه ایرانی در مقابل سیاست امپراطوری عثمانی که مدعی زعامت جهان اسلام بود، توجه نمودند . در راستای این هدف از شخصیت های عالم و خاندان های شیعه از اقصی نقاط ایران و جهان آن روز دعوت به عمل آمد. بدین گونه صفویه با استفاده قدرت نظامی، سیاسی و فرهنگی توانست حاکمیت خویش را در ایران تثبیت کند.

سوابق تحقیق

نقش شخصیت ها و خاندان های شیعه در پیروزی و تثبیت حاکمیت صفویه چیست ؟

فرضیه

حضور شخصیت ها و خاندان های عالم و بزرگ در مقامات و مناصب و تشکیلات دولت صفوی نقش مهمی در تثبیت حاکمیت صفویه داشته است.

روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع، روش تحقیق در این پژوهش توصیفی تحلیلی است، ابتدا موضوع مورد بحث توصیف و تشریح و سپس به تبیین و تحلیل عوامل پیروزی و تثبیت حاکمیت صفویه پرداخته شده ، روشن است که روش گردآوری اطلاعات در یان پژوهش عملاً کتابخانه ای و بر اساس مدارک و منابع می باشد.



Iron Academy of
Science and Technology

هدف تحقیق

هدف پاسخ به سوال اصلی تحقیق است که پژوهش بر محور آن صورت گرفته و در کنار آن یک هدف دیگری را می توان در نظر گرفت و آن بدست آوردن یک شیوه علمی که در پرتو آن بتوان به پرسش تحقیق پاسخ گفت و در درجه ای به معارف بشری افزود.

فایده و اهمیت تحقیق

این تحقیق می تواند در مجامع علمی دانشگاهی، سازمان های فرهنگی، از جمله صدا و سیما و موسسات پژوهشی مورد استفاده علاقمندان و مخاطبان قرار گیرد، علی رغم تحقیقات متعددی که در زمینه صفویه صورت گرفت، اما همچنان این پرسش مطرح است که چگونه صفویه حاکمیت خویش را تثبیت نمودند و توانست استمرار پیدا کند؟ این خلاء پژوهش نشان دهنده اهمیت موضوع تحقیق است، محقق با بهره گیری از منابع موجود و قابل دسترسی به بررسی پیروزی و تثبیت حاکمیت پرداخته و نشان داده که صفویه با تکیه به شخصیت ها و اقوام شیعه قدرت خود را در ایران توانسته تثبیت کند.

پیشینه تحقیق

در زمینه برآمدن صفویان کتب متعددی به رشته تحریر درآمده که تعدادی از این نوشتارها در عهد سلاطین صفویه به نگارش درآمده، تاریخ عالم آرای عباسی، مورخ از جمله شخصیت های با نفوذ در عهد عباس اول است و با امراء و سلاطین ارتباط نزدیک داشته وی به صورت توصیفی اشاره ای به ظهور صفویه اشاره ای به ظهور صفویه، شاه اسماعیل اول دارد و بدین گونه تاریخ خویش را بر محور پادشاهی به نگارش درآورده، در این کتاب توجه چندانی به چگونگی برآمدن صفویان نشده، اسکندر بیگ با اشاره به شخصیت هایی چون شیخ عزالدین حسین و فرزندش شیخ بهایی و سایر شخصیت های عالم شیعی به اعتبار و موقعیت آنان در نزد شاهان صفوی اشاره دارد اما مخاطب یا بیانی که نشان دهنده نقش و سیاست آنان باشد مشاهده نشد.

تاریخ عباسی یکی دیگر از کتبی است که به شرح اوضاع صفوی به خصوص شاه عباس اول پرداخته، بیشتر مطالعات به صورت روزشمار به اتفاقات و رخدادها اشاره دارد در این کتاب به چگونگی برآمدن صفویان توجهی نشده است.

تاریخ جهان آرای عباسی این کتاب توسط میرزا محمد طاهر وحید قزوینی نوشته شده، از آغاز حکومت شاه اسماعیل اول تا اواخر عباس دوم یعنی زمان حیات خود نویسنده است وی نیز مانند دیگر مورخان عهد صفوی بیشتر به توصیف اتفاقات توجه نموده است. در دوره معاصر کتب متعددی در زمینه صفویان تدوین شده، که به بعضی از آنها اشاره می کنیم. در باب صفویان کتابی است که راجر سیوری به رشته تحریر درآورده، این کتاب تا حدی که به پیشینه تکوین سیاسی سلاطین صفویه و شکل گیری نهادهای سیاسی اجتماعی آنان اشاره دارد، کتاب دیگر از همین نویسنده به عنوان ایران عصر صفوی به بحق و تحلیلی درباره اوضاع سیاسی صفوی از دوره شاه اسماعیل تا شاه عباس اول و نقش فزلباش در به طلطنت رساندن اسماعیل اول اشاره



نموده و در ادامه توضیح داده که قزلباش ها در تقابل و رقابت با تاجیکان بودند، و شاهان صفوی از نفوذ و قدرت بیش از حد قزلباش ها بیمناک شدند و سرانجام شاه عباس با اصلاحات اساسی ترکمنان را مهار نمود، والتر هینتس نیز در کتاب تشکیل دولت ملی در ایران به پیشینه سیاسی صفویان پرداخته که آنان ابتدا در دربار اوزن حسن به رشد و بالندگی رسیدند، وی در واقع دولت اوزن حسن راطلیعه و مقدمی صفوی می داند و در ادامه به زمینه های دیگر شکل گیری سلاطین صفوی اشاره دارد، که در جای خود مفید و مهم است. هانس رویمر نیز از جله نویسندگانی است که با اشاره به رشد صفویه دربار اوزن حسن، یکی از علل شکل گیری جریان های سیاسی را ضعف و سستی ناشی از خلاء قدرت بر اثر زوال دولت ایلخانان بر می شمارد، «اگر بپذیریم که زوان دولت ایلخانان موجب پیدایی خلاء قدرت در ایران نشده است، اما بی گمان باعث قدرت سیاسی گردید»

کتاب سیاست و فرهنگ روزگار صفوی از جمله کتب معاصر است که درباره تاریخ صفوی توسط رسول جعفریان نگارش شده. کتاب به زمینه های شکل گیری صفوی اشاره مختصر داد و در باب نقش شخصیت های بزرگ چون شیخ بهایی و سایر علماء و همچنین نقش اقوام برخی نواحی چون استرآباد توجه نموده است، بدین جهت در تحقیق حاضر بسیار قابل توجه و حائز اهمیت است.

زمینه های ایدئولوژیک ظهور صفویه

ظهور صفویه در عصر سیاسی ایران بدون تردید نمی تواند فاقد یک پشتوانه ایدئولوژیک باشد، از هنگامی که مغولان به تاخت و تاز در سرزمین ایران پرداختند، تا زمانی که در تفکر و اندیشه اسلامی هضم و جذب شدند، مردم این سرزمین فراز و نشیب های فراوان طی نمودند، بسیاری از بزرگان علماء و شرعرا به قتل آمدند، و تعداد کثیری نیز در وادی گمنامی به گذران زندگی خویش ادامه دادند، و بدین گونه آنان که باقی ماندند به گوشه ای خزیده، و از دنیا گریزان شدند، و در این میان بازار خانقاه ها رونق گرفت و مردمان برای حل مشکلات، صوفیان را پناه و ملجا خویش دانسته اند «خاندان شیخ صفی، از خاندان های منتقد صوفی بود که در ایران و عثمانی نفوذ داشتند پیروان بیشمار آن، بیشتر از میان ترکمانانی بودند که در آسیای صغیر سکونت داشتند، با این حال در نواحی مختلف ایران نیز هواداران بیشماری داشتند، باید توجه داشت که جنبش این خاندان از جهتی میراث دار جنبش، شیخیان سربرداری و مرعشی در قرن هشتم بود مرامی که در عین تصوف گرایشات شیعی داشت و به سیاست گروید»^۱ بنابراین می توان گفت صفویه از یک طرف تحت تاثیر حکومت های محلی شیعی به خصوص در قرن هشتم و در اوایل تاسیس آن دولت توسط شاه اسماعیل و حکومت آق قویونلوها و حکمرانان لاهیجان بودند و از طرف دیگر، تحت تاثیر اندیشه صوفیانه که کم و بیش تفکر غالب آن دوران بود قرار داشتند، ارتباط و پیوند بین صفویه و آق قویونلوهای^۲ سنی تا حدی توانست زمینه های رشد و بالندگی صفویه را در عرصه سیاست فراهم کند، دو نسل از فرزندان سلطان جنید در حمایت دستگاه آق قویونلوها پرورش پیدا کردند. شاه اسماعیل خود را از مادری که از خاندان آق قویونلویی است متولد شد. عامل مهم دیگری که

^۱ - جعفریان، رسول، سیاست و فرهنگ روزگار صفوی، نشر علم، تهران، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۴.

^۲ - راجر، سیوری، در باب صفویان، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۷ و ۲۸. پیرنیا، حسن، آشتیانی، عباس اقبال، تاریخ ایران، نشر پیمان، تهران، سال ۱۳۸۸، ص ۷۳۶.



می توان به عنوان پایه اساسی در ایجاد اقبال حاکمیت صفویه دانست، نفوذ معنوی خانقاه اردبیل در میان مردمان است، به گونه ای که فصل ۱ ... و روزبهبانی که خود یک عالم سنی مذهب است و با صفویه دشمنی می نمود، نتوانسته این حقیقت را انکام کند «چه پوشیده نماند که خطیره اولیای اردبیل همواره مامن ارباب ولایت و مطاف اصحاب هدایت بوده»^۳ باید گفت نفوذ معنوی صفویه تنها در میان توده عام مردم نبوده بلکه در بعضی موارد سلاطینی چون تیمور لنگ تحت تاثیر آنان قرار داشتند. «هنگامی که تیمور لنگ در سال ۱۴۰۲ از لشکر کشی پیروزمندانه خود در آسیای صغر و جنگ با یزید سلطان عثمانی بازگشت در اردبیل به زاویه خواجه علی رفت و او را ملاقات کرد» عامل دیگر که به تسریع روند ایجاد زمینه های شکل گیری حاکمیت سیاسی صفویه منجر گردید رویکرد نظامی شیخ حیدر و سلطان جنید بود، در واقع کار سیاسی را جنید شروع نمود، فرزندش شیخ حیدر آن را عمل و گسترش داد. اکنون صفویه تنها صوفی گوشه گیر اندرون خانقاه نیست، بلکه شخصیت هایی شجاع و جنگجو و آراسته به انواع فنون جنگی بودند، و بسایری از ترکمنان نیز در کنارشان آماده و گوش به فرمانند، چنانکه درباره شیخ حیدر نوشته شد «در حد ذات خویش مردی جلد و شجاع بود و در انواع دلبری و فنون جنگ از شمشیرزنی و تیرافکنی و نیزه بازی و کنداندازی مهارتی تمام داشت و تمامت زندگانی را در ورزش طریق پهلوانی صرف کرد»

عامل دیگر در حفظ نهضت صفوی در ابتدای شکل گیری زمینه های آن توانست موثر باشد، دورافتادگی و محصور بودن در انبوه جنگل ها و باتلاق های گیلاد بود «حومه اردبیل نیز کوهستانی، جنگل ها و باتلاق های غیر قابل نفوذ گیلاد و نزدیکی این پناهگاه موجب نجات نهضت از نابودی در پایان قرن پانزدهم / نهم شد»

نکته دیگر در استحکام بنیان اولیه حرکت نهضت صفویه موثر افتاده بود، تربیت مرید و استفاده از آنان برای تبلیغ اهداف خویش در مناطق مختلف است. این مریدان در مناطق خود دارای طرفدارانی بودند و به شدت برای صفویه تبلیغ می کردند و هدایایی که جمع آوری می کردند به اردبیل می آورند «مریدان و صوفیان مصمم از هر سو به ویژه از مناطق روم، قراچه داغ و اهر با هدایای و پیشکش هایی برای مرشد کامل خویش گرد آمدند» از جمله افرادی که به عنوان مریدان معروف صفویه محسوب می شوند، قاسم انوار است؛ وی دارای شخصیتی جذاب و گیرا بود، و به گیلاد، خراسان و سرانجام به هرات رفت و در هرات به شدت مورد توجه واقع شد، این قاسم انوار از مریدان شیخ صدالدین موسی بود، و بدین ترتیب صفویه با حسایت و کمک این مریدان توانستند زمینه های حاکمیت خویش را فراهم کنند.

حضور استرآبادیان شیعه در دولت صفویه

یکی از دلایل عمده نفوذ استرآباد در تشکیلات دوره صفوی آن است که این شهر شیعه مذهب بود قاضی نورا ... در قرن دهم به این نکته اشاره نموده و می نویسد: «اهل جرجان در تشیع مشهورند و در السنه جمهور به تصلب در آن مذکور ...» این ناحیه نیز مورد توجه سلاطین صفوی به خصوص شاه عباس اول قرار گرفت، در طی فرمانی شاه عباس اول برای بخشودگی مالیاتی در نظر گرفته شده چنین آمده «اگر سنی در میان شیعیان بوده باشد یا محلی از محال آنجا سنتی بوده باشد به ایشان تخفیف داده

^۳ - خنجی ف فضل بن روزبهان، عالم آرای امینی، تصحیح، محمد اکبر، عشیق، ناشر میراث مکتوب، تهران، چاپ ۱۳۸۲، ص ۲۵۶.



نمی شود» در فرمانی از شاه عباس دوم هم اشاره به سبقت استرآبادیان در تشیع از سایر بلاد شده «... و در این وقت اشهب سبک خرام عزیمت سمند لگام نهمت به پرتو نعل قمرنژاد ساخت دارالمومنین استرآباد زینت خلد برین داده و ساکنان آن بقعه بهشت آئین و متوطنان آن روضه ارم تزئین که به ادای صدق و انتهای و کناوا شیعا کل حزب بمالدهیم فرحون در تشیع و ولای اهل بین امامت و بنیای حقیقت و بنیای مخلصین له دین حنفا در اخلاص و تولای این خانواده و ولایت و کرامت گوی سبقت و استقامت از سکنه سایر بلاد ر بوده اند و بدان جهت پیوسته در ضلال مراحم آباد و اجداد جنت مکان نواب کامیاب همایون ما غنوده اند» بدون شک باید گفت استرآبادیان در طری قرن های نخست تشمیل دولت صفوی نقش مهم و ممتازی در استقرار و استواری آن سلاطین ایفا نموده اند، همین حمایت ها و پشتیبانی ها کافی بود که قومیت های شیعه و بزرگان آنان را متقاعد نماید که باید در راستای طرفداری از دولت صفویان گام بردارند. استرآباد که امروزه گرگان خوانه می شود موقعیت استراتژی مخصوص برای کشور ایران داشت این شهر به لحاظ فرهنگی حس مشترکی با ایران و شهرهای دیگر آن داشت، در واقع استرآباد هم مرز جغرافیایی مهم ایران بود، و «تا پیش از دولت صفوی این شهر زیر سلطه تیموریان قرار داشت، ازبکان هنامی که به خراسان حمله می کردند ناحیه استر آباد را نیز مورد تاخت و تاز قرار می دادند» عالم آرای عباسی نیز اشاره به استرآباد دارد و می نویسد «مردم استرآباد کثراً اهل صلح و پرهیزکاری هستند و به علت آب و هوای کوهستانی شورش طلب می باشند»

در قرن نهم مراکز علمی چون شیراز، هرات، نجف فعالیت داشتند و در این میان نجف یکی از مراکز فقهی شیعیان بود که توجه بسیاری از علاقمندان به فقه شیعه را به خوی ش جلب نموده بود به همین دلیل بسیاری از استرآبادی ها برای ادامه تحصیل علوم دینی راهی این دیار شدند، و با تحصیل در نجف به مدارج بالای علمی دست یافتند، و این زمینه ای برای ترویج افکار فقهی و اندیشه های کلامی به ویژه در معنای خاص شیعی آن در مبحث امامت در ایران بود، و این کار با حمایت سلاطین صفوی و مبنا قرار دادن افکار و آموزه های محقق کرکی ادامه یافت. زمانی که محقق کرکی دریافت دولت صفوی می تواند منافع شیعیان را حفظ کند، تصمیم به حمایت از آن سلاطین گرفت و سعی کرد تا در تشکیلات آن پادشاهان حضور یابد. از آن جمله اهرم هایی که مورد استفاده قرار داد، تربیت شاگردانی بود که از محضر درس وی بهره برده بودند، بسیاری از این شاگردان از این فرصت بدست آمده استفاده نمودند، و در ترویج آیین و فرهنگ مذهب شیعه تلاش کردند و جمع کثیری نیز درمناصب حکومتی دولت نوپای صفویه فعالیت داشتند، برای نمونه می توان، امیر سید رحمت... فتال نجفی اشاره نمود، که علاوه بر کمالات فقهی شاعر نیز بود، این عالم به عنوان پیش نماز لشکر شاه طهماسب اول خدمت می کرد. «کان من تلامیذ المحقق الکرکی (م . ع ۹) و کان امام الجماعت فی عصر الشاه طهماسب»

پیشینه سیاسی علماء شیعه

از نظر شیعه امامیه آنچه صلاحیت و مشروعیت به یک حاکمیت می بخشد، نص و نصب از جانب خداوند متعال و به تبع آن از اطراف معصوم (علیه السلام) است و هر حاکمیتی که فاقد چنین ویژگی باشد نامشروع است، و تنها در صورتی دارای اعتبار لازم می شود که منصوب الهی باشد، این شیوه حاکمیتی تا پایان دوره غیبت صغری یعنی دوره نواب اربعه حاکم بود، و با توجه به این روش شیعه مشکل خویش را حل می نمود، اما بعد از عصر غیبت که حاکم عرب و عجم سنی مذهب بودند و در نتیجه شیعه



در اقلیت قرار داشت، کمتر می توانستند به یک حاکمیت مستقل و رهبری سیاسی بیندیشند، زیرا شرایط تشکیل چنین حاکمیتی کم و بیش وجود نداشت، حال سوال این است که شیعه چگونه توانست به صیانت از استقلال و اندیشه سیاسی پردازد و به عنوان یک اقلیت خویش را حفظ کند؟ در این زمینه باید گفت «به طور طبیعی نقش اول را علماء و بزرگان شیعه در شهرهای مختلف چون قم، نجف، بغداد، حلب، حله، سبزواری و ... عهده دار بودند و رهبری فکری و فقهای شیعیان را در اختیار داشتند» با توجه به این نکته که شیعیان فقها را جانشینان امامان معصوم می دانستند در فقه و مسائل مربوط به آن به فقها و مجتهدین به عنوان حافظان شریعت دین خدا مراجعه می کردند و با اطمینان به پیروی از دستورات آنان می پرداختند، زیرا حکم آنان را حکم خدا و پیامبر (ص) می دانستند، شیعه با این روش در دوره های مختلف توانست دوام و بقاء خود را در عرصه حیات سیاسی حفظ نماید، گاه میدان نبرد پیش می آمد و تا پای جان به مقاومت می پرداختند و گاه صلح و مدارا را با طرف مقابل ترجیح داده می شود. شیخ طوسی در فتوایی چنین بیان می کند «... در صورتی که سلطان جائز باشد و انسان بداند و یا احتمال قوی بدهد که در صورت همکاری با وی ممکن است بتوان اقامه حدود و امر به معروف و نهی از منکر کرده و خمس و زکات را برای استحقاق آن و در راه پیوند برادران مصرف کند و نیز بداند که در این صورت در امر واجبی خللی وارد نکرده و مجبور به ارتکاب عمل زشتی نخواهد شد، مستحب است که خود را برای پذیرش شغل از طرف آنها آماده کند» شیعه با حفظ اصول و مبانی، همکاری با سلاطین را مجاز می داند زیرا این همکاری را در جهت حفظ و صیانت از کیان خویش و استمرار اندیشه اش در دوره های مختلف لازم دانسته، چنانکه از فتوای شیخ طوسی بر می آید که حتی در صورت احتمال اینکه آدمی با پذیرفتن منصبی در حاکمیت یک سلطان جائز حقی را احیاء و حدودی را اجرا نمود ازم است آن شغل را بپذیرد. با ظهور دولت صفویه زمینه تعامل بین آن سلاطین و علماء شیعه بر مبنای حمایت از سلطان عادل و پذیرفتن منصب حکومتی فراهم گردید زیرا صفویان از همان ابتدای امر به شدت از مذهب شیعه دفاع و حمایت می کردند و از طرف دیگر برای اجرای دستورات شرعی و احراز مبانی مشروعیت کارکرد خویش نیاز به علماء و مبلغان شیعی بودند.

خاندان محقق کرکی و دولت صفویه

شیخ علی بن حسین بن عبدالعالی کرکی مشهور به محقق ثانی عالم کرکی الاصل منسوب به کرک نوح است. وی از جمله عالمانی بلند پایه عهد صفوی است که تلاش زیادی در جهت ترویج مبانی آئین تشیع در ایران نمود. می توان محقق کرکی، تئوریسین فقه سیاسی در حکومت صفویه دانست، زیرا وی به لحاظ فقهی عالمی ممتاز بوده و روش های جدیدی را وارد حوزه فقه نموده، روانی و سادگی نوشته هایش همراه با منطق و استدلال نشان از قدرت و تسلط این عالم در حوزه مباحث فقهی است، محقق با تدوین و نگارش دو رساله نماز جمعه و خراجیه نکاتی را مورد توجه قرار داده، اول اینکه به نقش فقیه در امور جاری حکومتی توجه نموده و با دید مثبت به آن نگریست و ولایت فقه و فقاها را در حوزه سیاست مطرح کرد و این اندیشه سخت مورد اعتقاد و علاقه پادشاه وقت یعنی شاه طهماسب اول قرار گرفت و بدین ترتیب نوعی تعامل بین فقها و پادشاه صفویه به وجود آمد، شاه طهماسب به وی لقب خاتم المجتهدین مجتهد زمانی، نائب الامام داد و «در این سال حکم مقتدای امام نائب الامام علیه السلام شیخ علی کرکی مروج مذهب از شاه طهماسب علیه الرحمه الغفران صادر شد، بر امضای ارقام و احکام که سابق به او داده بودند، در سال ۹۳۹ رقمی و با آب و تاب تمام صادر شد، مشتمل به توقیر و تعظیم خاتم المجتهدین...» شاه



در طی حکمی که به محقق ثانی نوشته با استناد به حدیثی از امام صادق علیه السلام به مقام و جایگاه فقاقت اهمیت داده و می توان از این حکم به پای بندی شاه صفوی به مبانی مذهبی پی برد. مضمون حکم صادر شده چنین است: «لایح و واضع است که مخالفت حکم مجتهدین که حافظان شرع سید المرسلین اند با شرک در یک درجه است، پس هر که مخالف حکم خاتم المجتهدین وارث علوم سید المرسلین نائب الائمه المعصومین، لازال کسمه علیاً عالیاً، کند و در مقام متابعت نباشد بی شائبه ملعون و مردود در این آستان ملک آشیان مطرود است و به سیاسات عظیم و تادیبات بلیغه مواخذ خواهد شد. کتبه طهماسب ابن شاه اسماعیل الصفوی الموسوی» اهمیت محقق برای صفویان روشن است وی دانش فقهی و موقعیت علمی و نفوذ سیاسی مذهبی خویش را برای استمرار و تثبیت حکومت صفویه به خصوص در دوران شاه طهماسب به کار برد و در واقع صفویان مشروعیت و مقبولیت حکومت و سلطنت خود را مدیون محقق کرکی می دانند، زیرا محقق کرکی حکومت صفویه را احیاگر مذهب شیعه و مروج راه و روش امامان معصوم دانسته و همواره از صفویان به نیکی یا می کند و در مقدمه کتاب خویش نفحات لاهوت به صراحت به تعریف و تمجید دولت صفویه با عناوینی چون دولت قاهره الباهر، الشریفه المنفیه العالیه السامیه العلیه شاهیه الصفویه الموسویه امرها.. تعالی بالنصر و تمکین و ایدها بالملائکه و الانس و الجن اجمعین» یاد کرده همین القاب و عناوین را در جامعه المقاصد نیز آورده است.

محقق در دور رساله نماز جمعه و خراجیه به طرح نظر خویش پرداخته در این دو رساله به خوبی روشن نمود، در عصر غیبت این فقیه جامعه الشریط که به نیابت از امام معصوم علیه السلام حق دارد در امور مالی و عبادی و سیاسی مسلمانان دخالت نموده و اظهار نظر و اعلام رای کند بدین ترتیب می توان گفت وی نماز جمعه را به عنوان یک رکن سیاسی عبادی می دانست. محقق کرکی اهمیت خاصی برای نماز جمعه قائل بود، و بای گفت وی نخستین فقیهی است که در حکومت صفویه به نماز جمعه توجه نمود، «اقامت فرائض و واجبات و اوقات جمعه و جماعات» محقق در رساله نماز جمعه خویش اشاره به وجوب تخییری دارد، او وجود امام معصوم (ع) یا نائب خاصش را شرط اقامه نماز جمعه دانسته و در عین حال وجود نائب عام را برای اقدام به این واجب کافی شمره محقق دلیل نوشتن رساله خویش را اوج گرفتن پرسش های مردم درباره نمای جمعه، اظهار می کند که این رساله را در پاسخ به حل این معضل فقهی نگاشته است، محقق در رساله خراجیه با بحث و بررسی مسائله خراج و با توجه به اینکه زمینه های فوق مفتوح العنونه بوده و امام معصوم می تواند به افراد واگذار کند و در زمان غیبت نیز جایز است که شیعیان از سلاطین جور این زمین ها را بگیرند لذا بر مبنای همین معیار وی خود از شاه صفوی زمین هایی به عنوان سیورغالی دریافت کرد. محقق با اسناد به سیره و روش علمای گذشته چون سید مرتضی که موقعیت و ثروتی هنگفت داشته مالک هفتاد قریه بوده است همچنین با استناد به احوال خواجه نصیر الدین طوسی که متولی املاک سلطان زمان خویش بود، سپس توضیح می دهد که اگر کسی به غرض بنگرد خواهد دید که این شاهان و اطرافیان آنها بودند که حامی عالمان بوده و درست زمانی که متوجه آنان به عالمان کم می شد علم و دانش در روی زمین مندرس می گشت»^۴ محقق بدین طریق به حمایت از سلاطین صفویه پرداخت. این گفتمان محقق کرکی از یک سو موجب مشروعیت حکمرانی سلاطین صفویه گردید و از طرف دیگر موجبات حضور قدرتمندانه مذهب و در آمیختگی آن با سیاست گردید، به طوری که محقق در لشکر کشی شاه

^۴ - قمی، قاضی احمد، شریف الدین حسینی قمی، خلاصه التواریخ تصحیح، احسان اشراقی، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۱۹۶ و ۱۹۵.



طهماسب در اردوی معلی^۵ حضور داشت و لعنت سبب خلفاء^۶ را تایید کرد، و در برخورد با منکرات شرعی و مبارزه با فسق فجور همت گماشت که مورد تایید و حمایت شاه طهماسب نیز بود.

ارتباط محقق کرکی و نفوذ وی در تشکلات صفویه بسیار نزدیک و تاثیر گذار بود. شاه طهماسب اول در عزل مناصب حکومتی نظرات وی را لحاظ می نمود، به عنوان نمونه در اختلاف بین امیر غیاث الدین منصور و امیر معزالدین اصفهانی که از شاگردان محقق کرکی بود، شاه طهماسب جناب وی را گرفته و معزالدین اصفهانی به عنوان صدارت خود برگزید، عبدی بیک شیرازی می نویسد: «میرغیاث الدین منصور صدر را چون از فقه بخش نبود و در حکم فلسفه و هیات ریاض و طب از دیگر علماء ممتاز بود و از آن عزل فرمود، و امیر معزالدین محمد نقیب میرمیرانی اصفهانی را که به نقاهت ممتاز و به ورع تقوا بین الاقرآن سرفراز بود نصب فرمودند»^۷

و نیز هنگامی محقق کرکی در ایران نماند شاه طهماسب در طی فرمانی به عوامل خود از وی خاتم المجتهدین نائب امام زمان معرفی می کند و از کارگزاران خود را در عراق می خواهد با وی در نهایت احترام رفتار نمایند، این رفتار دوسویه حکایت از نفوذ شخصیت سیاسی علماء در دربار صفویه به خصوص در اوایل حکومت آن پادشاهان دارد، شیخ از این موقعیت سیاسی پیش آمده نهایت بهره برداری نمود، با تربیت شاگردانش به نشر افکار و عقاید شیعه و بسط گسترش و تعمیق آن در جامعه ایرانی کرد.

فرزندان و نوادگان محقق کرکی

فرزندان و نوادگان محقق کرکی یکی پس از دیگری در حکمرانی سلاطین صفویه حضور داشتند. و همچنین در نزد آن پادشاهان دارای احترام بودند، دو فرزند پسر محقق کرکی هر دو در زمره علمای به نام دوره طهماسب اول به حساب می آیند، یکی به نام شیخ عبدالعالی^۸ که محقق نام جدش را روی وی گذاشته است، دوم حسن که او هم از علماء و مولفان آقار فقهی و مذهبی در این دوره بوده است، شیخ حسن دارای یک رساله در باب نماز جمعه به عنوان «البلغه فی اعتبار اذن الامام علیه السلام فی شرعیه الجمعه»^۹ است که این رساله را به عنوان ردی بر رساله شهید ثانی نوشته است^{۱۰} این فرزندان نیز سیاست پدر خویش یعنی محقق کرکی را دنبال کردند، بسیاری قضات و طبقات روحانی که در مقام و منصب تشکیلات صفوی فعالیت می کردند از شاگردان و تربیت یافتگان محقق کرکی و فرزندی وی عبدالعالی هستند، شیخ عبدالعالی خود در کرسی تدریس اشتغال داشت

^۵ - خوانساری، ج ۵ ص ۱۶۸.

^۶ - روملو، همان، ص ۲۴۹، قمی، همان، ص ۲۲۴ و ۲۲۵.

^۷ - قمی، قاضی احمد شریف الدین حسینی قمی، خلاصه التواریخ، تصحیح احساس اشراقی، نشر دانشگاه تهران، سال ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۲۳۸.

^۸ - قمی، قاضی احمد، همان، ج ۲، ص ۷۷۳، و واله اصفهانی، محمد یوسف، خلد برین، به کوشش میرهاشم محدث، تهران، بنیاد موقوفات ایرج افشار، سال ۱۳۷۲، ص ۴۳۰.

^۹ - سبحانی، جعفر، موسوعه طبقات الفها، ناشر: موسسه امام صادق (ع)، قم، ۱۳۷۸ ص ۷۷ و ۷۸؛ و جعفریان، رسول، دوازده رساله فقهی روزگار صفوی، ص ۸۶.

^{۱۰} - سیاست و فرهنگ روزگار صفوی، ج ۱، ص ۶۴۵.



به همین منظور گاهی شاگردان را مامور رسیدگی به مشکلات و اختلافات بین مردم می نمود چنانکه در این باره نوشته شده «جمعی از ارباب تقلید را به فیصل دعاوی مردمان و اصلاح بین الناس مامور و مرخص گردانیده بود»^{۱۱} اسکندربیک نیز در عالم آرا به شرح حال شیخ عبدالعالی اشاره دارد و می نویسد: «سرآغاز جریره فصل دانش از آن طبقه علیه مجتهد ثانی فرید العصر و الزمانی شیخ عبدالعال است که خلف صدق مرحمت پناه مجتهد زمانی شیخ عبدالعالی مقصود شیخ علی بین عبدالعالی یعنی محقق کرکی است، در علوم معقول و منقول سرآمد روزگار بسیار خوش محاوره و نیکومنظر و صاحب اخلاق بود و من حیث الاستقلال الاستعداد بر مسند عالی اجتهاد تمکن داشت و اکثر علمای عصر اذعان اجتهاد آن جناب می نمودند، و اکثر اوقات در بلد طیبه کاشان اقامت نموده به درس و اده اشتغال می نمود و جمعی را به فیصل قضایای شرعیه و اصلاح بین الناس می گماشت و به نفس شریف نیز گامی برای اجرای احکام شریعت غراء متوجه فیض قضایای می گشت و هر گاه به درگاه معلی تشریف می آورد، حضرت شاه جنت مکان در تعظیم و توقیر آن جناب نهایت مبالغه و می فرمودند و همیشه باب سعادت مابش خواه در اردوی معلی و خواه در کاشان مرجع علماء و دانشمندان عصر بود و اکثر عالمان را در اصول و فروع به قول او عمل می نمودند و اجتهادات آن جناب به تصدیق اکثر علماء مقرون بود و الحق ذات ملک صاتش در آن حین آرایش ملک ایران و جهانیان بود»^{۱۲} با توجه به متن فو چنین استنباط می شود که شیخ عبدالعالی در میان عالمان دوره خود دارای مقامی شامخ از لحاظ علمی و اخلاقی بود به طوری که بسیاری از بزرگان و علماء آن دوران به وی مراجعه می نمودند و همچنین ارتباطی نزدیک و دوستانه با شاه طهماسب اول داشته و در بعضی اوقات خود به مسند قضاوت می نشست و به حل و فصل دعاوی مردم می پرداخت، و شاه صفوی برای او احترام خاصی قائل بود.

شیخ عبدالعالی فرزند محقق

با درگذشت شاه طهماسب اول و روی کار آمدن اسماعیل دوم، مقام و موقعیت علمی و اجتماعی شیخ عبدالعالی همچنان استوار بود، در اینجا یک حکایت تاریخی هست که می تواند نشان دهنده عمق روابط شاهان صفوی و علمای وقت باشد، هنگامی که شاه اسماعیل دوم بنا به یک سنت سیاسی دینی می بایست قالیچه سلطنت شاه را اعلم علمای زمان پهن کند، به وی گفت در این سلطنت حقیقتاً تعلق به حضرت امام صاحب الزمان علیه السلام می دارد و شما نایب مناب آن حضرت و از جناب او مأذونید به مروج احکام اسلام و شریعت قالیچه مرا شما بیندازید و مرا شما بر این مسند بنشانید تا من به رأی و اراده شما بر سریر حکومت و فرماندهی نشسته باشم» این عالم که احساس کرد شاه اسماعیل قصد طعنه بر او دارد «زیر لب فرمودند که پدر من فراش کسی نبود»^{۱۳} سرانجام شیخ عبدالعالی در سال ۹۳۳ در اصفهان درگذشت ماده تاریخ وفاتش چنین نوشته «ابن مقتدای شیعه»^{۱۴} که معادل سال ۹۳۳ یعنی سال درگذشت وی است.

۱۱ - واله اصفهانی، محمد یوسف، خلد برین، حدیقه دوم، ص ۴۳۰ (سیاست ص ۳۲۹) ص ۲۶۰ و ۲۶۱

۱۲ - اسکندربیک منشی، عالم آرای عباسی، تصحیح: محمد اسماعیل، رضوانی، نشر دنیای کتاب، سال ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۴۴.

۱۳ - افوشته ای طنزی، محمود، نقاوه الاثار، به اهتمام، احسان اشراقی، نشر: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۰، ص ۴۱، سیاست ۲۹۵.

۱۴ - قمی قاضی احمد، شریف الدین حسینی، ج ۲، ص ۷۷۳.



سید حسین کرکی

سید حسین^{۱۵} کرکی نواده محقق کرکی از جمله علمای بزرگ و بانفوذ عصر طهماسب اول و سلطان محمد خدابنده تا اوایل سلطنت شاه عباس اول بوده است، وی در دوره طهماسب اول موقعیتی بدست آورد و در این دوره در حکم مجتهد الزمانی بود و در روزگار طهماسب به ایران آمده و در «دارالارشاد اردبیل به تدریس و شیخ الاسلامی و قطع فصل مکان گردید ...»^{۱۶} با توجه به گفار اسکندربیک می توان گفت وی در اردبیل دارای مقام شیخ الاسلامی و در نزد شاه صفوی مورد توجه و احترام بوده است پس از درگشت طهماسب اول کار دفت و گفت وی بر عهده گرفته است.^{۱۷} از جمله فرزندان وی میرزا حبیب اله صدر است که این موقعیت را به ارث برای فرزندان و نوادگانش مانند میرزا محمد مهدی^{۱۸} و میرزا محمد معصوم نیز گذاشت که همگی در مقامات و مناصب صفوی فعالیت داشتند. به عنوان نمونه میرزا محمد مهدی به مدت نه سال اعتمادالدوله شاه عباس دوم^{۱۹} بود.

شیخ بهایی

شیخ بهایی (ره) از جمله شخصیت های ممتاز و تاثیر گذار در عهد صفویه است، بهاء الدین محمد بن حسین عاملی معروف به شیخ بهایی^{۲۰} از جمله دانشمندان و علماء عصر خویش است، در علوم مختلف چون حدیق تفسیر فقه، ریاضیات، نجوم، هندسه، معماری، توانایی و تبحر داشت، پدرش عزالدین حسین بن عبدالصمد،^{۲۱} بنا به دعوت شاه طهماسب اول صفوی به ایران آمد. تنش میان صفویان با امراء و سلاطین عثمانی و از یک سو موجب آزار و اذیت شیعیان به خصوص علماء و بزرگان آنان چون شهید اول^{۲۲} و شهید ثانی گردید، به عنوان نمونه شهید اول را با تهمت های ناروا چون اهانت به عایشه و دو خلیفه اول وی را هتک حرمت نموده و سپس با شمشیر به قتل رساندند و آنگاه جسد او را سوزاندند و شهید ثانی^{۲۳} مدت ها به صورت ناشناس زندگی می کرد و سرانجام دستگیر و اعدام گردید با توجه به این عوامل بود که علماء شیعه از بلاد شام و جبل عهامل به سوی ایران مهاجرت کردند، عزالدین حسین بن عبدالصمد پدر شیخ بهایی از جمله کسانی است که به دربار صفویه آمد و به حمایت از سلاطین صفویه پرداخت، هنگامی که ازبکان و عثمانی بر علیه صفویه و شیعیان توطئه نمودند و آنها را متهم به ترک نماز جمعه و نقض قوانین دینی کردند، شیخ حسین بین عبدالصمد در مقابل آنها مخالف نمود و موضع گرفت، در بخشی از رساله العقد الطهماسب که با درخواست شاه طهماسب نوشته شد، در قسمتی از رساله به عنوان التتمه المهمه فی امر صلاه الجمعه به

۱۵ - سیاست و فرهنگ در روزگار صفوی، ج ۲، ص ۷۷۳

۱۶ - عالم آرای عباسی، ج ۱، ص ۲۳۱. و واله اصفهانی، خلد برین، ص ۴۱۴.

۱۷ - عالم آرای عباسی، ج ۱، ص ۲۳۱

۱۸ - حر عاملی، شیخ محمد بن حسن ملقب به حر عاملی، امل الامل، تحقیق، احمد حسینی، مکتبه الاندلس، نشر نجف الشرف، ج ۱، ص ۱۸۰.

۱۹ - افندی، میرزا عبدل...، ریاضی العلماء، به اهتمام محمود المعرشی، تحقیق احمد حسینی، کتابخانه آیت... مرعشی، سال ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۷۰.

۲۰ - شیخ بهایی، کلیات شیخ، تصحیح و مقدمه، سعید نفیسی، ویرایش، کاظم عابدینی مطلق، نشر، فراگفت، تهران ۱۳۸۸، صص ۱۸ و ۱۷؛ اسکندر بیک، همان، ج ۱، ص ۲۲۴.

۲۱ - اسکندر بیک، عالم آرای عباسی، ج ۱، صص ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹

۲۲ - حر عاملی، امل الامل، ج ۱، ص ۱۸۳

۲۳ - علی بن محمد بن الحسن بن زین الدین الجمعی العاملی، الدر منشور، نشر قم و ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۱۸۳.



بررسی اهمیت نماز جمعه اشاره شده که جوامع پیشین شیعه در ترک نماز جمعه معروز بودند، زیرا امامان جمعه منصور حاکمان، جائر و فاسد بودند و بعد این سوال مطرح می کند «آا برای ما شایسته است که در این امپراطوری بارز و پیرو به خاطر تردید و گمان محض دست از این وظیفه مهم برداریم در حالی که شمشیرهای رفعت او شاه که خدایش پیروز گرداند و حامیان اهل بیت پیامبر (ص) فراتر از سرمای دشمنانشان است و زمانی که مذهب ما الحمدا... از خورشید روشن تر است»^{۲۴}

با وجه به این نکته می توان گفت شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد و فرزند دانشمندش شیخ بهایی (ره) در جهت حمایت از سلاطین صفوی در اقامه نماز جمعه تلاش فراوانی نمودند «مراتب عالی فقاقت و اجتهاد او در معرض قبول و اذعان علمای عصر درآمد در اقامت نماز جمعه که بنا بر اختلافی که علمای ملت در شروط آن کرده بودند مدت های مدید متروک و مهجور بود به سعی بلیغ به تدبیر رسانید، جمعی کثیر از مومنین به آن اقدام می نمود»^{۲۵} عزالدین حسین بن عبدالصمد پدر شیخ بهایی تلاش گسترده در ترویج مذهب و آیین شیعه در ایران نموده چنانکه شیخ بهایی (ره) می گوید: «پدرس نخستین کسی بود که کتاب های حدیق به ایران آورده»^{۲۶} شیخ عبدالصمد احادیث را به عربی می نوشت فرزند بزرگوارش به هر دو زبان یعنی عربی و فارسی به نگارش می پرداخت و علاوه بر آن به زبان فارسی سلیس شعر می سرود^{۲۷} با درگذشت شیخ علی منشار^{۲۸} پدرزدن شیخ بهایی (ره) شاه عباس اول منصب شیخ الاسلامی پایتخت صفوی را به شیخ بهایی داد با ورود شیخ بهایی به منصب شیخ السلامی روح تازه ای به این منصب سیاسی مذهبی دمیده شد. در «عهد خجسته و زمین فرخنده نواب گیتی ستان فردوس مکان منصب سامی شیخ السلامی و وکالت حلالیات و تصدی امور شرعیه معموره جنت نشان اصفهان عهده دار شد»^{۲۹} شیخ بهایی برای ترویج فرهنگ تشیع از هیچ کوششی دریغ نمی کرد، در یک مورد برای آشنایی امیر ترک با تشیع شاه عباس اول و شیخ بهایی (ره) از مولانا خدای وردیخان آهاری تبریزی خواستند تا به زبان ترکی کتابی درباره امامت نگارش کند تا شاهین عادل گرای خان^{۳۰} والی که نزد شاه عباس آمده بود با مبانی تشیع آشنا شود. عمده فعالیت سیاسی مذهبی شیخ بهایی (ره) در عهد شاه عباس اول بود، رابطه شاه عباس با شیخ بهایی بسیار دوستانه و عمیق بود به طوری که گاهی اوقات شاه در جلسات درس و مباحثه فقهی شیخ حاضر می گشت و مشتاقانه به مطالب و گفتار وی گوش داده و اظهار نظر می کرد، به عنوان نمونه سوالی در باب قاتل خطاء مطرح گردید که «آیا قتل خطاء چرا دیت بر عاقله است؟ در میان بحث و مباحثه شاه عباس نیز اظهار نظر نمود که «شاید این جهت این دیت بر عاقله باشد که اقوام دائم بر منع جهال خود توانند کوشید و جاعلام قوم را بر اعقل حرفی نباشد

۲۴ - روملو، حسن بیک، ص ۲۴۰؛ حر عاملی، امل الامل، ج ۱، ص ۷۵، ۷۴.

۲۵ - اسکندربیک، عالم آرای عباسی، ج ۲، ص ۲۴۷

۲۶ - مجلسی، محمدتقی، لوامع صاحب قرآنی، انتشارات دارالتفسیر قم، سال ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۳۸ و ۳۷

۲۷ - جعفریان، رسول، سیاست و فرهنگ روزگار صفوی، ج ۲، ص ۱۳۵۲.

۲۸ - کلیات شیخ بهایی، ص ۴۵

۲۹ - واله اصفهانی، خلد برین، حدیقه دوم، ص ۴۳۰ و ۴۳۱.

۳۰ - جعفریان، رسول، سیالست و فرهنگ روزگار صفوی، ج ۲، ص ۱۳۵۱ (برگرفته از جمله دانشگاه به شماره ۴۴۴۲، دانش پژوه، فرست دانشگاه، ج ۱۳،

ص ۳۴۰۳)



که چرا منع ما می کنید و چکاره مائید، حضرت شیخ نیز تصدیق فرمودند که ممکن است و بسیار درست به خاطر اشرف رسید»^{۳۱}

شاه عباس در مسائل خانوادگی چون ازدواج^{۳۲} فرزندان تا امور نظامی^{۳۳} و جنگ با شیخ بهایی مشورت می کرد. این موارد نشان دهنده عمق نفوذ شخصیت شیخ بهایی در سیاست و سلطنت سلاطین صفوی است و البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که حضور این بزرگان در کنار سلاطین صفوی به معنای تایید و تکریم بدون چون و چرای آن نبود بلکه می توان گفت بنا به مصلحت امور با توجه به فشارهای سیاسی که حکومت های سن مسلک بر شیعه وارد می نمودند ظهور دولت صفویه روزنه امیدی برای شیعیان به و خصوص علماء و بزرگان آنان گردید که بتوانند در سایه حمایت آن سلاطین به فعالیت فرهنگی مذهبی خود ادامه دهند در نتیجه از این رهگذر بود که تعامل بین علماء و شیعه و امراء صفویه پدید آمد، شیخ که خود منصب شیخ الاسلامی اصفهان را داشت در اشعاری به نکوهش از عالمانی که از سر خود باختگی در برابر ملوک تعظیم می کنند پرداخته.

نان حلوا چیست دانی ای پسر قرب شاهان است زین قرب الحذر

می برد هوش از سر و دل از قرار الفرار از قرب شاهان الفرار

قرب شاهان آفت جام تو شد پای بند راه ایمان تو شد^{۳۴}

شیخ بهایی در نزد امراء و بزرگان صفوی چون خان احمد گیلانی بسیار مورد توجه و احترام بود، در نامه ای که خان احمد گیلانی برای شیخ (ره) نوشته به این نکته می توان پی برد وی شیخ بهایی (ره) را با القابی چون «حضرت والا، رتبت معلی، منزلت هدایت پناه، عظیم الاوصاف، موکد قواعد شریعه، نائب امام معصوم (ع)^{۳۵} خطاب نموده است، که نشان دهنده قرب و منزلت شیخ در نزد وی است. شیخ بهایی (ره) سفرهای بسیار نموده و در این سفرها بدون تعصب هر جا عالمی می یافت که دارای دانش لازم است سعی بلیغ می نمود و از آموختن غفلت نمی کرد چنانکه نوشته اند «شیخ ابوالوفا عرضی گوید که در زمان سلطنت مراد بن سلیم به حلب آمد و به صورت درویشان بود و در درس های پدرم شیخ عمر حاضر می شد ...»^{۳۶}

۳۱ - همان، ج ۲، صص ۱۴۸۳ و ۱۴۸۴.

۳۲ - منجم، ملاجلال، تاریخ عباسی، به کوشش سیف اله وحیدنیا، نشر وحید، ۱۳۶۶، ص ۱۰۹.

۳۳ - سیاست و فرهنگ روزگار صفوی ج ۲، ص ۱۴۹۶

۳۴ - نفیسی، سعید، کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهایی، نشر فراگفت، تهران، ۱۳۸۸، ص ۱۶۹.

۳۵ - ستوده، منوچهر، شاه عباس اول، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۸، ص ۱۵۳ (برگرفته از فریدون نوزاد، ص ۵۹ نامه ۳۰)

۳۶ - شیخ بهایی، کلیات شیخ بهایی، ص ۴۲ و ۴۳



شرانجام شیخ بهایی (ره) در چهارم شوال ۱۰۳۰ دیده از جان فرو بست و پس از تشریفات و احترام فراوان مردم و بزرگان امراء صفوی در جوار امام هشتم شیعیان مدفون نمودند. میرزا ابوطالب اردوبادی اعتمادالدوله شاه عباس اول ماده تاریخی در وصف وی سروده:

«رفت چون شیخ زد دار فانی گشت ایوان جنانش مأوای

دوستی جست زمن تاریخش گفتمش شیخ بهاء الدین وای»^{۳۷}

در اینجا شیخ بهاء الدین وای ۱۰۳۰ را نشان می دهد.

شخصیت شیخ بهایی جامع اعداد بود وی دانشمند عارف پارسا زاهد عابد بود و در عین حال یک فیلسوف ریاضی دان معمار به حساب می آمد و در کنار طلاطین صفوی مقتدرانه امر و نهی می کرد و در همان همنشین فقره و خخانه اش مءمن بیچارگان بیوه زنان و یتیمان بود، شیخ بهایی (ره) در سفر و خضر بر کنار تخت شاه عباس مقامی رفیع داشته و در همان حال به درون طبقات مختلفه قدم می گذاشتند «گویند به تماشای معرکه مارگیرها و حقه بازی های وسط میدان هم می رفته»^{۳۸} وی شیخ الاسلام و مشاور شاه بود، در حفظ حدود شرع می کوشید و در عین حال به جمیع طبقات ارتباط داشت از بزرگان و سلاطین گرفته تا قلندران صوفیان و مردم عامی از فیض وجودش بهره مند می شدند و السلام.

علامه محمد باقر مجلسی

در اواخر صفویه به شخصیتی چون علامه محمدباقر مجلسی بر میخوریم که در دستگاه آن سلاطین نقش فعال داشتند، از آنجا که پادشاهان صفویه تلاش نمودند، تا مشروعیت خویش را از مبانی دینی بدست آورند، همواره درصدد بودند، خود را به علماء بزرگ نزدیک کنند، این تعامل صفویه با بزرگان دین یک مزیت سیاسی برای آنان به حساب می آمد، چنین اندیشه ای از طلوع دولت شاه اسماعیل اول تا آخرین نفر از سلسله سلاطین صفوی در چارچوب حاکمیت آنان دیده می شود و همین امر را می توان راز ماندگاری طولانی حاکمیت این سلاطین در اریکه قدرت دانست، این پیوند و ارتباط چنان عمیق بود که «شاه سلطان حسین در مراسم تاج گذاری خویش اجازه نداد کسی از صوفیان به رسم معمول شمشیر سلطنت را زیب پیکر وی سازد، و عوض انجام آن را از شیخ الاسلام خواشت»^{۳۹} این نفوذ از یک جهت در راستای اداره امور شرعی و قضاء امر موقوفات بوده و از جهت دیگر به خاطر موقعیتی که علماء در ارتباط با شخص شاه و و رایزنی و مشاورت در اداره امور با او داشتند^{۴۰} است. علامه مجلسی

^{۳۷} - اسکندر بیک، عالم آرای عباسی، ج ۱، ص ۱۶۰۲.

^{۳۸} - کلیات اشعار و آثار شیخ بهایی، ص ۹۵

^{۳۹} - مهدوی، سید مصلح الدین، زندگی نامه علامه مجلسی، با حواشی سید محمدعلی روضاتی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۷۸، ج ۱، ص ۱۳۸.

^{۴۰} - جعفریان، رسول، سیاست و فرهنگ روزگار صفوی، ج ۲، ص ۱۸۲۲.



مشهور به محمد باقر مجلسی^{۴۱} از جمله علمای بزرگ در دوره شاه سلطان حسین صفوی است، پدرش مولی محمد تقی مجلسی معروف به مجلسی اول^{۴۲} می باشد، در زمان و شاه عباس دوم می زیسته و از جمله شاگردان وی شیخ بهایی (ره) بود، مجلسی اول کتاب لوامع را به نام همین پاشاه عباس دوم تالیف نمود، وی این دوره را دورانی می داند که «علمای دین مبین به میامی توجهات شاهنشاهی می توانسته اند تا در ترویج شریعت غرّاً تلاش کنند»^{۴۳} محمد باقر در خانواده ای عالم و مذهبی متولد گردید پدر و احدادش همگی از جمله عابدان و زاهدان و دانشمندان بزرگ عصر خویش بودند، بسیاری از شخصیت ها و بزرگان علمای شیعه چه آنان که در زمان حیات وی میزیستند، و چه کسانی که پس از او کتاب نوشته اند، علامه محمدباقر مجلسی را مورد ستایش و تمجید قرار داده اند، و با تاکید بر مقام علمی و زهد تقوی او احاطه اش بر علوم برای او احترام خاص قائلند.

سید مهدی بحرالعلوم^{۴۴} از وی به عنوان خادم الاخبار الائمه الاطهار و غواص فی بحار الانوار یاد می کند، شیخ حر عاملی^{۴۵} مولف وسایل الشیعه از علامه به عنوان فقیه متکلم و محدث جلیل القدر نام می برد، بزرگان و مشایخ صفویه نیز علامه مجلسی را به عنوان عالمی بلند پایه که در اکثر علوم و فنون تفوق داشته و در فن فقه حدیث عالمی دانا و توانا ستوده اند، مجلسی اول نزد شماری از علمای برجسته مانند علامه عبدالله تستری، شیخ بهایی درس خوانده ... و نقش اساسی در رشد علوم دینی در جامعه ایران داشته داشته و در نهایت فرزندش اساسی ترین نقش در جمع آوری احادیث علوم دینی در آن دوران بر عهده گرفت. علامه محمد باقر مجلسی در زمینه های مختلف علمی توانایی و تسلط داشته، شاهد این سخت کتاب گران قدر بحار الانوار است که به مدت ۳۵ سال برای جمع آوری و تدوین آن تلاش و کوشش بی وقفه نمود، این کتاب با ارزش صد و ده جلد است و در زمینه های مختلف علمی فرهنگی و سیاسی با استفاده از حادیق و آیات و روایات تدوین و تنظیم گردیده است که نشان دهنده گستردگی اطلاعات و دانش علامه مجلسی (ره) است.

محمد تقی مجلسی و فرزندانش محمد باقر مجلسی امامت نماز جمعه اصفهان و شیخ الاسلامی پایتخت صفویه را بر عهده داشتند. محمد باقر مجلسی به فرمان شاه سلیمان صفوی شیخ الاسلامی دارالسلامی دارالسلطنه اصفهان را بر عهده گرفت و هنگامی که شاه سلطان حسین صفوی به حکومت رسید طی فرمانی محمد باقر مجلسی را به شیخ الاسلامی خویش منصوب نمود. «شیخ السلامی بزرگترین صاحب منصب امور شرعی و مذهبی است که به دعاوی بیوه زنان و بتیمان و صغاری که زیر نظر قیم اداره می شوند رسیدگی می کند و همچنین اداره سایر امور شرعی نیز به عهده اوست»^{۴۶}

محمد تقی مجلسی و فرزندش علامه محمدباقر مجلسی در راستای سیاست صفویه به حکایت از آن سلاطین نیز گام بر می داشتند. آنها نماز جمعه را در اصفهان برپا کردند وی نخستین کسی است که بعد از محقق و شیخ بهایی که به طور جدی نماز جمعه را احیاء نمودند زیرا قبل از علامه مجلسی و پدرش نماز جمعه به صورت نامنظم در اصفهان برگزار می شد. چنانکه در

۴۱ - مهدوی، سید مصلح الدین، ج ۱، ص ۶۹. و مجلسی، محمدباقر، مقمه بحار الانوار، موسسه و فابروت، لبنان، ۱۴۰۳ ه، صص ۳۷، ۳۸.

۴۲ - مهدوی، همان، ج ۱، ص ۷۰.

۴۳ - جعفریان، رسول، ج ۲، ص ۱۲۹۶.

۴۴ - نوری طبرسی، میرزا حسین، فیض قدسی، ترجمه سید جعفر نبوی، زندگینامه علامه مجلسی، موسسه امام صادق (ع)، قم، ۱۳۷۴، ج اول، ص ۴۷.

۴۵ - شیخ حر عاملی، همان، ج ۲، ص ۲۶۸؛ مهدی، مصلح الدین، همان، ج ۱، ص ۹۴.

۴۶ - شیخ حر عاملی، همان، ج ۲، ص ۲۶۸؛ مهدوی، مصلح الدین، همان، ج ۱، ص ۹۴.



این باره نوشته شده «او نخستین کسی است که منصب امامت جمعه را در دو مسجد بزرگ بعد از دو امام اقدم (سید محقق ۱۰۴، شیخ بهایی ۱۰۳۰) عهده دار شد، این پس از زمانی بود که سالها وضع نماز جمعه نامنظم بوده گاه صاحب ذخیره محقق سبزواری و در برخی اوقات شیخ لطف... اصفهانی آن را اقامه می کردند، و سپس کار بر آخوند مستقر شد و تا به امروز از بیت او خارج نشده است و پس از وی فرزندش علامه محمد باقر مجلسی عهده دار آن گردید»^{۴۷}

فرزندان و نوادگان علامه مجلسی همچنان به عنوان کسانی که در امور شرعی صاحب امر و نهی بودند و در دستگاه سلطنت صفوی حضور داشتند به عنوان نمونه محمد صالح بن عبدالواسع^{۴۸} داماد علامه مجلسی است که شیخ الاسلام اصفهان بود و در سال ۱۱۲۶ درگذشت، فرزندش میر محمد مومن خاتون آبادی^{۴۹} که در سال ۱۱۴۸ در گذشت مغان به دستور نادر به قتل رسید، و سرانجام فتنه افغانی به دو قرن نیم حاکمیت صفویه پایان داد و بسیاری بزرگان و علماء به قتل رسیدند و یا در آواوری و گمنامی بسر بردند.

نتیجه گیری

بررسی زمینه های شکل گیری دولت صفوی در صحنه سیاسی و نقش عوامل استمرار و تثبیت حکمرانی آن سلاطین این پرسش را مطرح نمودند که چه عاملی در دوام و استحکام حاکمیت صفویه نقش داشته است، توجه به سوال فوق به تحقیق درباره نقش عوامل مختلف چون شخصیت ها و خاندان هایی که در کنار آن دولتمردان حضور داشته توجه شده است و این فرضیه را تقویت نموده که شخصیت ها و خاندان های بزرگ در تشکیلات صفوی در مقامات و مناصب مختلف دارای مسئولیت بوده و با ایفای نقش خویش توانسته اند کمک بزرگی به استمرار و تثبیت آن سلاطین بکنند، بر مبنای این فرضیه، شناخت مقامات و مناصب سیاسی و اجتماعی نقش شخصیت ها و خاندان های تاثیر گذار در حکمرانی سلاطین صفوی ضروری و مهم است، آنچه در این تحقیق به عنوان یک دستاورد می توان مورد توجه قرار داد شناخت زمینه های ایدئولوژیکی صفویه و تحول مشی صوفیان به یک جریان سازمان یافته بر اساس آن حرکت سیاسی خود را سازماندهی کردند، و در کنار این عامل، به حضور شخصیت های عالم اقوام شیعه که دارای نفوذ در میان توده مردم بودند جهت مشروعیت بخشیدن به سلطه حاکمیت خویش توجه داشتند به همین دلیل به سرعت با پذیرش و اقبال عمومی روبرو گردیدند نکته دیگر که باید به آن توجه داشتند به همین دلیل به سرعت با پذیرش و اقبال عمومی روبرو گردیدند. نکته دیگر که باید به آن توجه داشت، نظر و بررسی سایر محققان است، علی غم تلاشهای فراوانی که در این زمینه انجام شد، همچنان این پرسش باقی مانده که چه عوامل فوق رابه صورت مشروع بررسی نموده ایم، فترت سیاسی حاصل از دوره مغولان و تیموریان و اختلاف و درگیری نهایی حکمرانی محلی چون آق قویونلوها و فذافوبونلوها رشد شکل گیری خانقاه ها به خصوص خانقاه اردبیل که دارای نفوذ در میان توده مردم و امراء بود، حمایت حکمرانان محلی چون قراقویونلوها از دو تن از شیوخ صفوی، برخورد تند صفوی با ایدئولوژی های موازی چون حکمرانان گیلان

^{۴۷} - موسوی خوانساری اصفهانی، محمد باقر، موسوی خوانساری، روضات الجنات، نشر اسماعیلیان، قم، ج ۲، صص ۱۲۲ و ۱۲۳.

^{۴۸} - جرائری تستری، سید عبدل... موسوی الجزایری، اجازه الکبیره، نشر کتابخانه، مرعی، نجفی، قم، ۱۴۰۹، صص ۱۷۹ و ۱۸۰.

^{۴۹} - همان، صص ۴۲، ۵۹، ۹۵، ۱۸۳، ۱۸۴.

www.ISEAS.ir

www.Listjournal.ir

www.ConferenceList.ir

پایگاه استنادی ملی مقالات دانشگاهی ایران

پایگاه استنادی ملی مجلات دانشگاهی ایران

پایگاه استنادی ملی کنفرانس های دانشگاهی ایران



و مازندران و مشعشیان خوزستان، که شیعه مذهب بودند و سر انجام تکیه صفوسه بر خاندان های بزرگی چون محقق کرکیب و شخصیت‌هایی چون، شیخ بهایی، ملامحمد تقی و ملامحمد باقر مجلسی که این علماء و بزرگان هر کدام در دوره های مختلف با حضور خود در تشکلات سیاسی صفویه موجب مقبولیت آن حکمرانان در اذهان توده مردم شدند.



منابع و مأخذ

- قرآن کریم، سوره بقره .
- آقای بزرگ تهرانی، احیاء دائر من القرآن اعاشر، طبقات اعلام شیعه، تحقیق، علی نقی منزوی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۶۶.
- افوشته ای، نطنزی نقاوه الأثار، به اهتمام احسان اشراقی، نشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۵۰.
- افندی، میرزاعبداله، ریاض العلماء و حیاض الفضلا، سید احمد حسینی، به اهتمام سید محمود مرعشی نشر خیام، قم، ۱۴۰۱ هـ.
- پیرنیا، حسن، آشتیانی، عباس اقبال، تاریخ ایران، نشر پیمان، تهران ۱۳۸۸.
- جزائری تستری، سید عبدالله موسوی جزائری، اجازه الکبیر، نشر کتابخانه مرعشی نجفی، قم ۱۴۰۹.
- جعفریان، رسول، سیاست و فرهنگ روزگار صفوی، نشر علم، تهران، ۱۳۸۸.
- جعفریان، رسول، دوازده رساله فقهی درباره نماز جمعه روزگار صفوی، نشر انصاریان، قم، ۱۳۸۱.
- خاتون آبادی، عبدالحسین، وقایع النسنن و العوام، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۵۲.
- خوانساری اصفهانی، میرزا محمدباقر موسوی، روضات الجنات، اسماعیلیان، قم، ۱۳۴۹.
- الخراجیات، تحقیق و نشر، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ هـ.
- حر عاملی، شیخ محمد بن حسن، ملقب به حر عاملی، امل الامل، تحقیق احمد حسینی، مکتبته الاندلس، نجف الاشرف
- راجر، سیوری، در باب صفویان، ترجمه رمضان علی روح اللهی، نشر مرکز تهران، ۱۳۸۰.
- راجر سیوری، در باب صفویان ترجمه رمضان علی روح اللهی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۰.
- روملو، حسن بیک، احسن التواریخ، تصحیح عبدالحسین نوایی، انتشارات، بابک، تهران ۱۳۵۷.
- سبحانی، جعفر، موسوعه الطبقات الفقها ناشر، موسسه امام صادق، قم، ۱۳۷۸
- سفرنامه سانسون، وضع کشور شاهنشاهی ایران، شاه سلیمان صفوی، به اهتمام و ترجمه تقی تفضلی، چاپخانه، زیبا، تهران ۱۳۴۶.
- ستوده، منوچهر، از آستار تا استرآباد، نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷.
- شیخ طوسی، محمدبن حسن، النهایه، ترجمه الفارسی، محمد تقی پژوه، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۲.
- شیخ ابی عبداللهمحمد بن محمد بن نعمان، العکبری البغدادی، ملقب به شیخ مفید، المقنعه، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین، قم ۱۴۱۰ هـ ق.
- شیخ بهایی، بهاء الدین محمد بن عبدالصمد، ملقب به شیخ بهایی، کلیات اشعار و آقار ادبی (موش گربه، نان و پنیر، نام و حلوا، شیر و شکر) مقدمه و تصحیح، سعید نفیسی، به کوشش، کاظم عابدینی مطلق، نشر فراگفت، قم ۱۳۸۸.
- ستوده، منوچهر، شاه عباس اول، شرکت سهامی انتشارات، تهران، ۱۳۸۸.
- شیخ علی بن محمد بن الحسن بن زین العابدین الجبعی العاملی، الدر منثور، نشر، قم ۱۳۹۸ هـ.
- شیخ، محمد الحسون، حیاة المحقق الکرکی، تهران ۱۳۸۱.

www.ISEAS.ir

www.Listjournal.ir

www.ConferenceList.ir

پایگاه استنادی ملی مقالات دانشگاهی ایران

پایگاه استنادی ملی مجلات دانشگاهی ایران

پایگاه استنادی ملی کنفرانس های دانشگاهی ایران



- قمی، قاضی احمد شریف الدین حسینی، خلاصه التواریخ، تصخیخ، احسان اشراقی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.
- مهدوی ، مصلح الدین، زندگی نامه علامه مجلسی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۷۸.
- مجلسی محمد باقر، مقدمه بحارالنوار، موسسه وفاء بیروت، لبنان ۱۴۰۳ هـ .
- مجلسی، محمد تقی ، لوامع صاحب قرآنی، انتشارات دارالتفسیر، قم ۱۳۷۷.
- منجم، مدال جدال، تاریخ عباسی، به کوشش سیف اله وحید، نشر وحید، ۱۳۶۶.
- والتر ، هینتس، تشکیل دولت ملی در ایران، ترجمه ، علی جهانداری، نشر، خوارزمی ، تهران ۱۳۶۲.
- واله اصفهانی، محمد یوسف، خلد برین، حدیه دوم، به کوشش میرهاشم محدث، نشر بنیاد موقوفات ایرج افشار، تهران ۱۳۷۲
- فضل ا... بن روزبهانی، خنجی، عالم آرای امینی، تصحیح محمد اکبر عشیق، ناشر میراث مکتوب، چ اول، تهران ۱۳۸۲.
- نوری طبرسی، میرزا حسین، فیض قدسیب، ترجمه سید جعفر بنوی، زندگی نامه علامه مجلسی، موسسه امام صادق (ع) ، قم ، چ اول ، ۱۳۷۴.